

جنایت محمودیه رسوایی و آبروریزی جدیدی برای همه آنهاست که با فریبکاری، حاکمیت ننگین و جنایات رژیم ضدخلقی جمهوری اسلامی را به دستاویزی جهت باز داشتن مردم از مبارزه برای نابودی آن تبدیل کرده و این طور تبلیغ می‌کنند که برای رسیدن به آزادی، نه به انقلاب و قدرت توده‌های مبارز، بلکه باید به قدرت ماشین جنگ و کشتار دولت آمریکا اتکاء کرد.

پیرامون جنایت ننگین اخیر ارتش آمریکا در محمودیه عراق

شعف رو به همکاران خود فریاد زد که "همین الآن همه‌شان را کشتم!" بدنبال این جنایت، "گرین" به همراه یک مزدور دیگر آمریکایی وحشیانه به دختر ۱۵ ساله عراقی تجاوز نموده و در پایان این عمل ضد انسانی و کثیف خود، با شلیک ۲-۳ گلوله به مغز قربانی بیگناه خویش، او را به قتل رساندند! جنایتکاران آمریکایی پس از ارتکاب به این حد از وحشی‌گری و دناوت و در پایان این قساوت غیرقابل توصیف با استفاده از یک ماده سوزاننده، خانه و جسد قربانیان بیگناه و مثله شده خویش را برای پرده‌پوشی جنایتشان به آتش کشیدند.

(ادامه در صفحه ۲)

درآوردن نیت پلید خود، با لباس شخصی به آن خانه وارد شدند. پس از ورود به خانه مزبور، یکی از مزدوران به نام "گرین" ۳ تن از اعضای خانواده شامل یک مرد و زن و یک دختر خردسال ۵ ساله را به اتاق دیگر برده و با قساوت تمام با شلیک گلوله آنها را به قتل رسانید. مطابق اعتراف یکی دیگر از همکاران "گرین"، سپس این دژخیم آمریکایی وارد اتاق دیگر شده و با شور و

در روز ۱۲ ماه مارچ ۲۰۰۶، پنج تن از سربازان مزدور و حیوان‌صفت ارتش آمریکا در جریان یک عمل جنایتکارانه از قبل سازماندهی شده وارد خانه یک خانواده بیگناه عراقی شدند. این مزدوران که در یک پست بازرسی محلی به انجام وظایف ضدخلقی خود مشغول بودند، از قبل خانه مذکور را که یک دختر نوجوان عراقی هم جزء آن خانواده بود، شناسایی کرده و سپس برای به اجرا

افشای جنایت فجیع سربازان مزدور آمریکایی در تجاوز به یک دختر نوجوان عراقی و سپس قتل وی و خانواده‌اش در شهر محمودیه در عراق، نفرت تمامی انسان‌های آزادیخواه جهان برعلیه مزدوران جنایت‌پیشه آمریکایی را برانگیخت و یکبار دیگر ماهیت کثیف و ضدخلقی امپریالیسم آمریکا را به برجسته‌ترین وجهی به نمایش گذارد.

تشدید رقابت‌ها و تضادهای امپریالیستی در عراق

اظهارنظر یکی از مقامات روسی در مورد ترور ۵ دیپلمات این کشور در بغداد در ماه گذشته، جلوه تازه‌ای از تداوم و رشد تضادهای امپریالیستی و قدرت‌طلبانه فی‌مابین دولت روسیه و آمریکا، بویژه در رابطه با منافع غارتگرانه آنان در عراق را به نمایش گذارد. "میخائیل دلیاگین" کارشناس روسی و رئیس "انستیتو مسایل جهانی روسیه" اعلام کرد که "قتل دیپلمات‌های این کشور در عراق" در خرداد ماه "توطئه سازمان‌های اطلاعاتی آمریکا" بوده است. وی که کارشناس مسایل خاورمیانه در دولت روسیه است اضافه کرد که "ذخایر نفت" عراق و ایران "انگیزه اصلی" اکثر رویدادهای اتفاق افتاده در این دو کشور می‌باشد و در رابطه با قتل دیپلمات‌های روسی در بغداد و نقش دستگاه‌های اطلاعاتی دولت آمریکا در آن تاکید کرد که: این حادثه را می‌توانیم به عنوان نمونه‌ای از شیوه‌هایی که برای رقابت با ما می‌خواهند بکار گیرند در نظر بگیریم.

(ادامه در صفحه ۲)

ماهیت پوشالین "صلح خاورمیانه" از ورای تهاجم ارتش اسرائیل به سرزمین‌های فلسطینی

حملات وحشیانه هوایی و زمینی اخیر ارتش جنایتکار اسرائیل به نوار غزه، که موجب خانه‌خرابی و کشتار و رنج فراوان برای توده‌های تحت ستم فلسطینی شده است، یکبار دیگر چهره ضدخلقی رژیم صهیونیست اسرائیل و ماهیت پوشالین "صلح" خاورمیانه را در افکار عمومی به نمایش گذارد. اشغال نظامی سرزمین‌های فلسطینی و جنایات و تخریب‌های وسیعی که در روزهای گذشته زندگی محقر و وحشتناک مردم محروم فلسطینی را بیش از پیش در فشار و منگنه قرار داده است، ظاهراً در واکنش به ربودن یکی از سربازان ارتش جنایتکار اسرائیلی توسط گروهی از فلسطینی‌ها سازمان یافته است. گروه مزبور خواستار آزادی زندانیان زن و کودک از زندان‌های اسرائیل می‌باشد. دولت ضدخلقی اسرائیل، این چماق رسوای امپریالیست‌ها در منطقه خاورمیانه، نه تنها با زیر پا گذاردن تمامی اصول و پرنسپ‌های جاری بین‌المللی با قلدری تمام چنین تهاجم مرگباری را به سرزمین‌های فلسطینی سازمان داده بلکه با اطمینان از حمایت‌های مقامات آمریکایی و سایر دول امپریالیستی، با فراغت کامل جنایات روزمره خود برعلیه توده‌های فلسطینی را ادامه داده، آنها را می‌کشد، خانه‌هایشان را بر سرشان ویران می‌کند، بسیاری از مقامات رسمی "دولت" به اصطلاح مستقل فلسطینی را دستگیر و به زندان می‌اندازد، آب و برق و شبکه‌های خدماتی در شهرها را بمباران و نابود می‌کند و در این میان اربابان امپریالیست این دولت جنایتکار از فلسطینی‌ها می‌خواهند که بدون قید و شرط خواست‌های زورگویانه دولت اسرائیل و منجمله آزادی سرباز اسیر شده را برآورده سازند و در این راه خواست‌های مکرر مقامات فلسطینی برای "مذاکره" و یافتن "راه حل دمکراتیک" برای حل مساله زنان و کودکان اسیر در زندان را رد می‌کنند.

(ادامه در صفحه ۲)





عکسی از ابر قاسم حمزه الجنابی، دختر بچه ۱۲ ساله‌ای که بدست سربازان وحشی ارتش جنایتکار آمریکا مورد تجاوز و سپس به گلوله بسته شد.

پیرامون جنایت ننگین اخیر ارتش آمریکا در محمودیه عراق

بقیه از صفحه ۱

فرماندهان دژخیم ارتش آمریکا یعنی گردانندگان "ابوغریب"ها و "گوانتانامو"ها چندی پس از رو شدن این جنایت کتیف در صفوف واحدهای خود، برای جلوگیری از علنی شدن آن در افکار عمومی، "گرین" سرباز ۲۱ ساله عراقی را به طور "افتخاری" (!!) از ادامه خدمت در ارتش "مرخص" نموده و به آمریکا بازگرداندند. اما در ماه مه بدنبال رپوده شدن ۲ تن از سربازان آمریکایی متعلق به همین واحد ارتشی در بغداد و مثله شدن و کشته شدن آنها بدست مخالفین، یکی از سربازان مزدور گروه متجاوز ۵ نفری، از وحشت لب به سخن گشوده و با افشای جنایت ماه مارس در محمودیه، یعنی تجاوز و کشتن یک خانواده، کوس رسوایی دولت و ارتش متجاوز آمریکا در افکار عمومی را به صدا درآورد و مقامات آمریکایی را وادار کرد تا در وحشت از اوج‌یابی هرچه بیشتر نفرت و خشم عمومی، دستور "تحقیقات" در این مورد و "تشکیل دادگاه" برای چند تن از سربازان ارتش جانی خود را در آمریکا به اصطلاح صادر کنند.

تجاوز و قصابی یک خانواده محروم و بیگناه عراقی توسط ارتش آمریکا در "محمودیه" تنها گوشه کوچکی از جنایات کتیف و غیرقابل توصیفی است که در جریان لشکرکشی تجاوزکارانه دولت آمریکا با وعده "برقراری دموکراسی" و "آزادی" در عراق و افغانستان، بطور روزمره برعلیه خلق‌های تحت ستم این دو کشور اتفاق می‌افتد. جنایت محمودیه در حقیقت آینه

تمام‌نمای چهره واقعی و کتیف امپریالیسم جهانی و در رأس آنها امپریالیسم تبهکار آمریکا در سطح بین‌المللی است. کشتار فجیع یک خانواده، تجاوز وحشیانه به دختر ۱۵ ساله عراقی که در سال‌های سبز شکفتن و رشد و نوجوانی خود بود، خالی کردن گلوله به مغزش توسط جنایتکاران خونسرد و حرفه‌ای شاغل در ارتش آمریکا، و بدنبال آن سوراخ سوراخ کردن تن نحیف و صورت وحشتزده کودک ۵ ساله بی‌دفاعی که هیچ گناهی به غیر از گرفتار شدن در دام این حیوانات وحشی آمریکایی نداشت، تنها جلوه‌ای از اقدامات معمولی ماشین جنایت و سرکوب امپریالیست‌ها و سرمایه‌داران خونخوار بین‌المللی است که در سودای کسب منافع بیشتر، چنگال خون‌آلود خود را در حیات و جان میلیون‌ها تن از خلق‌های تحت ستم عراق فرو برده و به مکیدن شیره جان آنان و غارت و کشتار و قصابی آنها مشغولند. جنایت محمودیه در عراق تنها یکی از کوچکترین جلوه‌های "دمکراسی" امپریالیست‌هاست. ننگ و نفرت بر آنها باد!

از سوی دیگر، جنایت فجیع ارتش آمریکا در محمودیه عراق کوس رسوایی تمامی مرتجعین، اپورتونیست‌ها و مشاطه‌گران مزدور و یا بی‌حیره و موجب امپریالیست‌ها را نیز به صدا درآورده که شب و روز در حال تبلیغ و توهم پراکنی در افکار عمومی و در حقیقت جاده صاف کنی برای دخالت نظامی و یا غیرنظامی آمریکا در ایران با هدف برقراری "دمکراسی" از سوی این قدرت جنایتکار هستند. جنایت محمودیه رسوایی و آبروریزی جدیدی برای همه آنهاست که با فریبکاری، حاکمیت ننگین و جنایات رژیم ضدخلق جمهوری اسلامی را به دستاویزی جهت باز داشتن مردم از مبارزه برای نابودی آن تبدیل کرده و این طور تبلیغ می‌کنند که برای رسیدن به آزادی، نه به انقلاب و قدرت توده‌های مبارز، بلکه باید به قدرت ماشین جنگ و کشتار دولت آمریکا اتکاء کرد. همانهایی که شعار "خروج" ارتش‌های متجاوز امپریالیستی از افغانستان و عراق را مستقیم و یا غیرمستقیم "مسخره" می‌کنند و دولت و ارتش جنایت‌پیشه آمریکا را مظهر "مدنیسم" و "پیشرفتگی" در مقابل "تجگر مذهبی" و ... جا می‌زنند. و به این ترتیب در واقع می‌کوشند تا همسویی و منافع مشترک طبقاتی خود با دشمنان قسم‌خورده کارگران و خلق‌های تحت ستم را لاپوشانی کنند. جنایت محمودیه در عراق، زنگ خطر برای تمامی مرتجعین و کوران‌دیشانی‌ست که با صف کشیدن در بارگاه امپریالیست‌ها هر یک به وسع خود می‌کوشند تا با اثبات "خوش خدمتی" به جلاد خلق‌های جهان، سهمی از "گرامات نقدی" و "غیرنقدی" گردانندگان پنتاگون، سنا، وزارت خارجه و... را بدست بیاورند.

اما تجربه تاریخ نشان داده که بدون شک چنین نیروها و افرادی، هر پیشینه "مبارزاتی‌ای" هم که داشته باشند، با قدم زدن در این مسیر شوم جز خیانت، بدنامی و رسوایی در میان توده‌های تحت ستم نصیبی نخواهند برد. سوال اینجاست آیا این گونه نیروها شریک جنایت محمودیه نیستند؟

ماهیت پوشالین "صلح" خاورمیانه ...

بقیه از صفحه ۱

در شرایطی که تنها به عنوان یک مورد، ۸۶۰ هزار تن از مردم محروم فلسطینی بدلیل بمباران مرکز برق غزه (که با انرژی خورشیدی کار می‌کرد) توسط هواپیماهای اسرائیلی، بدون برق و آب بسر می‌برند، رئیس‌جمهور آمریکا با خونسردی تمام در پاسخ به تمامی درد و رنجی که ساکنان غزه با آن مواجه‌اند، عنوان می‌کند که کلید حل و پایان این جنایات در "دست" خود مردم فلسطین است که سرباز جنایتکار اسرائیلی را آزاد سازند! آیا چنین رفتار ضدخلق‌ای معنایی بجز خواست تسلیم بی قید و شرط در مقابل جنایات و خواست‌های ضدخلق دولت اسرائیل و حامیان بین‌المللی‌اش دارد؟ آیا این رفتار ضدخلق، یکبار دیگر ماهیت امپریالیستی و ضدخلق "صلح" خاورمیانه را که تنها و تنها برای حفاظت از منافع صهیونیست‌ها و امپریالیست‌ها و سرکوب و منحرف کردن چندین دهه مبارزات آزادیبخش و حق‌طلبانه مردم محروم فلسطین توسط امثال بوش طراحی شده است را نشان نمی‌دهد؟ در شرایطی که بلندگوهای تبلیغاتی امپریالیستی بطور روزمره مشغول داستان‌سرایی در مورد مزایای پروژه "صلح خاورمیانه" (بخوان تسلیم کامل مردم فلسطین در مقابل اسرائیل) و رفاه و دموکراسی و آزادی‌ای می‌باشند که این "صلح" گویا هم اکنون در منطقه برقرار کرده، ما شاهدیم که چگونه در جریان این پروسه، بر ابعاد فقر و گرسنگی، محرومیت و آوارگی و بیکاری مردم محروم و رنج‌دیده فلسطینی افزوده شده است.

لشکرکشی ضدخلق ارتش اسرائیل به سرزمین‌های فلسطینی و جنایات بیکرانی که تنها در عرض چند روز اخیر توسط دولت اسرائیل برعلیه خلق فلسطین انجام شده پیش از هر چیز حاوی این واقعیت است که آزادی واقعی خلق در زنجیر فلسطین نه از کانال پروژه‌های "صلح" دست‌پخت امپریالیست‌ها و صهیونیست‌ها- و سازشکاران و مرتجعین لانه‌کرده در صفوف مردم فلسطین- بلکه از طریق گسترش مبارزه انقلابی توده‌های فلسطینی‌ست که امکان تحقق خواهد یافت.



بقیه از صفحه ۱

لازم به یادآوری است که در تاریخ ۱۲ خرداد ماه، چند مرد نقابدار خودرو حامل ۵ تن از دیپلمات‌های روسی در بغداد را متوقف کرده و ضمن کشتن یکی از آنان، ۴ تن بقیه را به گروگان گرفتند و سپس با مطرح کردن خواسته‌هایی که بقول این مقام روسی، از نظر دولت روسیه "غیرقابل اجرا" بود، ۴ دیپلمات روسی را به فجیع‌ترین وضعی به قتل رساندند. این مقام روسی اضافه کرد که یکی از قاتلین دیپلمات‌های روسی "شلوار" جین به تن داشته که در موارد مشابه قبلی چنین امری سابقه نداشته است.

اظهارات این مقام روسی در شرایطی بیان می‌شود که از زمان اشغال نظامی عراق توسط دولت بوش در سال ۲۰۰۳ که با مخالفت شدید دولت روسیه روبرو شد، دولت روسیه میلیاردها دلار از منافع خود در عراق در زمان حکومت رژیم صدام حسین را از دست داده است. این منافع که یک رقم آن حدود ۴۳ میلیارد دلار اعتبارات مالی دولت روسیه به صدام حسین بود در قالب وام، تجهیزات نظامی و قراردادهای نفتی و غیرنفتی بودند. مدت کوتاهی پس از اشغال عراق و آغاز درگیری‌ها و مقاومت مسلحانه برعلیه نیروهای آمریکایی، مقامات دولت بوش، دولت روسیه را به کمک‌های تسلیحاتی و "حمایت از بقایای رژیم صدام" در عراق متهم نمودند. همچنین سال گذشته دولت آمریکا از دولت‌های ذی‌نفع در زمان حکومت صدام در عراق نظیر فرانسه و چین و روسیه خواست که بخاطر کمک به دولت نوپای "دمکراتیک" در عراق- بخوان دولت عروسکی وابسته به آمریکا- از طلب‌های مالی خویش از عراق صرف نظر نمایند.

حقوق پایه کارگران: افزایشی در کار نیست!

بقیه از صفحه ۴

از اظهارات علیرضا محجوب معلوم می‌گردد که به رغم بوق و کرنای چند ماه پیش مقامات رژیم و دولت ضدخلقی احمدی‌نژاد در رسیدگی به وضع رقت‌بار کارگران و "محرور ستیزی" که منجر به افزایش حداقل حقوق کارگران به ۱۸۰ هزار تومان در روی کاغذ شد، از آنجا که مقامات حکومت پرداخت این مبلغ را در عمل منوط به "توافق" بین کارفرما یا

کارگران کرده‌اند، سرمایه‌داران و کارفرمایان زالوصفت و رذل در ۴ ماهه اخیر، هر جا که با خواست عادلانه کارگران زحمتکش برای پرداخت حداقل حقوق مصوبه دولت مواجه شده‌اند آنها را اخراج کرده‌اند؛ بدون آن که در انجام این عمل ضدخلقی یعنی به خاک سپاه نشاندن هزاران کارگر و خانواده‌های آنان کمترین هراسی را به خود راه دهند و یا نگران "عواقب قانونی" عمل ضدانسانی خود باشند.

واقعیت فوق نه تنها یکبار دیگر، پوچ بودن وعده‌های فریبکارانه "دولت محرومان" احمدی‌نژاد را نشان می‌دهد، بلکه همانطور که تجربه ۲۸ سال حاکمیت رژیم وابسته و ضدکارگری جمهوری اسلامی نشان داده، قوانین این نظام اساسا در جهت حفظ منافع عارتگرانه سرمایه‌داران وابسته زالوصفت برعلیه کارگران و محرومان تنظیم شده و به اجرا درمی‌آید. و هر جا هم که در اثر فشار مبارزات قهرمانانه کارگران، طبقه حاکم و دولت مجبور به پذیرفتن گوشه‌ای از خواست‌های کارگران شود، این "پذیرش" در عمل به سهولت توسط سرمایه‌داران و دولت حامی آنها زیر پا گذارده شده و هرگونه مخالفت جدی با آن نیز جز با اخراج و سرکوب و قهر پاسخ نمی‌گیرد.



سرکوب خلق ترک همچنان ادامه دارد!

بقیه از صفحه ۴

در همین رابطه، در طول هفته‌های اخیر صدها تن از روشنفکران و فعالین سیاسی و توده‌های مبارز در شهرهای مختلف آذربایجان نظیر تبریز، نقده، اردبیل و زنجان دستگیر و روانه سیاه‌چال‌های جمهوری اسلامی شده‌اند. دامنه دستگیری‌ها در شهر تبریز بسیار وسیع بوده و مزدوران رژیم ده‌ها تن از جوانان و فعالین سیاسی را دستگیر کرده و بسیاری از آنها را روانه سیاه‌چال اوین کرده‌اند. در این دستگیری‌ها حکومت حتی روزنامه‌نگاران و روشنفکران خودی که هیچگاه فعالیت‌های سیاسی‌شان از چارچوب نظام و قوانین ضدخلقی موجود فراتر نرفته را نیز از تیغ سرکوب خویش

مستثنی ساخته و تعدادی از آنها نیز گرفتار خشم و غضب مقامات رژیم گشته‌اند و به زندان افتاده‌اند. مزدوران رژیم همچنین در سالگرد تجمع مردم در قلعه بابک، در هراس از تجمعات توده‌ای و امکان برگزاری تظاهرات ضد رژیم، بشدت به حضور خویش در این منطقه پرداخته و از طریق برپایی پست‌های کنترل رفت و آمد و دستگیری‌های متعدد کوشیده‌اند تا ضمن برقراری جو رعب و وحشت و اختناق از هرگونه تجمع توده‌ای در این منطقه جلوگیری نمایند.



کودکان، قربانیان خاموش نظام ضدخلقی سرمایه‌داری!

بقیه از صفحه ۴

تا بیاد آریم که برای نجات کودکان گرسنه زیر خط فقر و ریشه‌کن کردن فقر و گرسنگی، کنسرت‌های "باب گلیدوف"ها و "مادونا"ها و جمع‌آوری اعانه چاره کار نیست!

تا بیاد آریم که برپایی بنگاه‌های خصوصی حمایت از کودکان "بی‌بضاعت" با شعار لغو کار کودک، راه رهایی کودکان زیر خط فقر نیست!

که چاره کار نابودی سرمایه‌داری و لاشخورهایی‌ست که زندگی لوکس اشرافی خود را از خون کودکان طبقه کارگر فراهم می‌کنند همانطور که پدران و مادران کارگر این کودکان را زیر کارهای طاقت‌فرسا برای سود بیشتر با کمترین دستمزد به بردگی می‌کشانند!

که سرمایه‌داری "نامتمدن‌ترین پدیده‌ای‌ست که به غیر از قهر انقلابی با هیچ حربه دیگری نابود نمی‌شود!

این عکس را به دیوار ذهن خود آویزان کنیم و بینیم وجدان بشری ما تا چند روز می‌تواند تحمل دیدن چنین مناظر دهشتناکی را داشته باشد؟! ■



سرکوب خلق ترک همچنان ادامه دارد!

با گذشت چند هفته از کشتار و سرکوب وحشیانه توده‌های به پا خاسته در آذربایجان توسط رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی، ماشین سرکوب حکومت همچنان با شدت و حدت تمام به مردم تحت ستم ترک در شهرهای آذربایجان یورش برده و به دستگیری و بگیر و ببند آنها پرداخته است.

(ادامه در صفحه ۲)

حقوق پایه کارگران: افزایشی در کار نیست!

از زمان افزایش اسمی حداقل حقوق کارگران به ۱۸۰ هزار تومان در اوایل سال جاری تاکنون بیش از ۵۰ هزار تن از کارگران محروم و زحمتکش توسط کارفرمایان از کار بیکار شده‌اند. این مطلب را علیرضا محجوب نماینده به اصطلاح کارگری رژیم در مجلس ضدکارگری حکومت عنوان کرده است.

(ادامه در صفحه ۲)

"پیام فدایی"

بر روی شبکه اینترنت

از صفحه چریکهای فدایی خلق ایران

در اینترنت دیدن کنید:

<http://www.fadaee.org/>

از صفحه اشرف دهقانی

در اینترنت دیدن کنید:

<http://www.ashrafdehghani.com/>

برای تماس با چریکهای فدایی خلق ایران

با نشانی زیر مکاتبه کنید:

BM Box 5051
London
WC1N 3XX
England

شماره تلفن

برای تماس با چریکهای فدایی خلق ایران

0044 - 7946494034

آدرس پست الکترونیک

e-mail : ipfg@hotmail.com



کودکان، قربانیان خاموش نظام ضد خلقی سرمایه‌داری!

این عکس‌ها را باید به در و دیوار اتاق‌هایمان، به در و دیوارهای کویچه‌های شهرهایمان آویزان کنیم تا هر لحظه شقاوت و پستی سرمایه‌داری را بیاد آریم!

تا هر لحظه بیاد آریم که لاشخورها را با شاخه‌های گل و با مذاکره و زد و بند نمی‌توان از صحنه زندگی سیاه کارگران و زحمتکشان گرسنه و کودکان زیر خط فقر به آسانی بیرون کرد!

تا بیاد آریم که کودکان طبقه کارگر و زحمتکش بیشترین بهای سوده‌های کلان مفت‌خورهای سرمایه‌دار را هر روزه در جهان نکبت‌بار امپریالیستی امروز می‌پردازند!

(ادامه در صفحه ۲)

تکانه‌دهنده‌تر از آنست که بتوان احساس توأم با خشم و درد را فریاد زد و خود را آسوده یافت!

آنچه در این عکس دیده می‌شود حاصل نهایت رذالت سرمایه‌داری و دست‌آوردی است که این نظام گندیده برای کودکان بیگناه در اقصی نقاط جهان بوجود آورده است. کودکانی که در فقدان سرپناه و کوچکترین حداقل‌های مایحتاج روزمره‌شان، هر ساعت از گرسنگی و بیماری به آرامی می‌میرند! این عکس وحشتناک تجلی‌ای از نهایت رذالت لاشخورهایی است که همچون لاشخور در تصویر، از لاشه استثمارشونده‌گان تغذیه می‌کنند و روز به روز فربه‌تر می‌شوند!

آیا می‌شود انسانی مترقی به این تصویر واقعی از زندگی کودکان زیر خط فقر نگاه کند و وجودش لبریز از خشم و کینه به غارتگران و استثمارکننده‌گان نشود؟

توضیح در مورد عکس:

عکسی که در بالا مشاهده می‌کنید آخرین عکس خبرنگار عکاسی به نام Kvein Carter می‌باشد که در سودان گرفته شده است. او گفته است که دختر بچه در عکس در حال راه رفتن به محل غذاخوری در کمپ پناهنده‌گان بوده که در وسط راه از فرط گرسنگی بیحال می‌شود و بر زمین می‌افتد. و لاشخور در عکس به دختر بچه حمله می‌کند. عکاس موفق می‌شود که لاشخور را فراری داده و دختر بچه را نجات دهد. این عکس بعدها "حایزه پولیتزر" را نصب کوبین کارتر می‌کند. اما کارتر که انسانی بسیار شریف و خبرنگاری باوجدان بود، از یادآوری خاطراتش از مصایب نظام خونخوار سرمایه‌داری و فجایعی که در سودان دیده بود بسیار رنج می‌برد. سرانجام او در ۲۷ جولای ۱۹۹۴ یعنی ۲ ماه بعد از گرفتن جایزه پولیتزر، خودکشی کرد.

